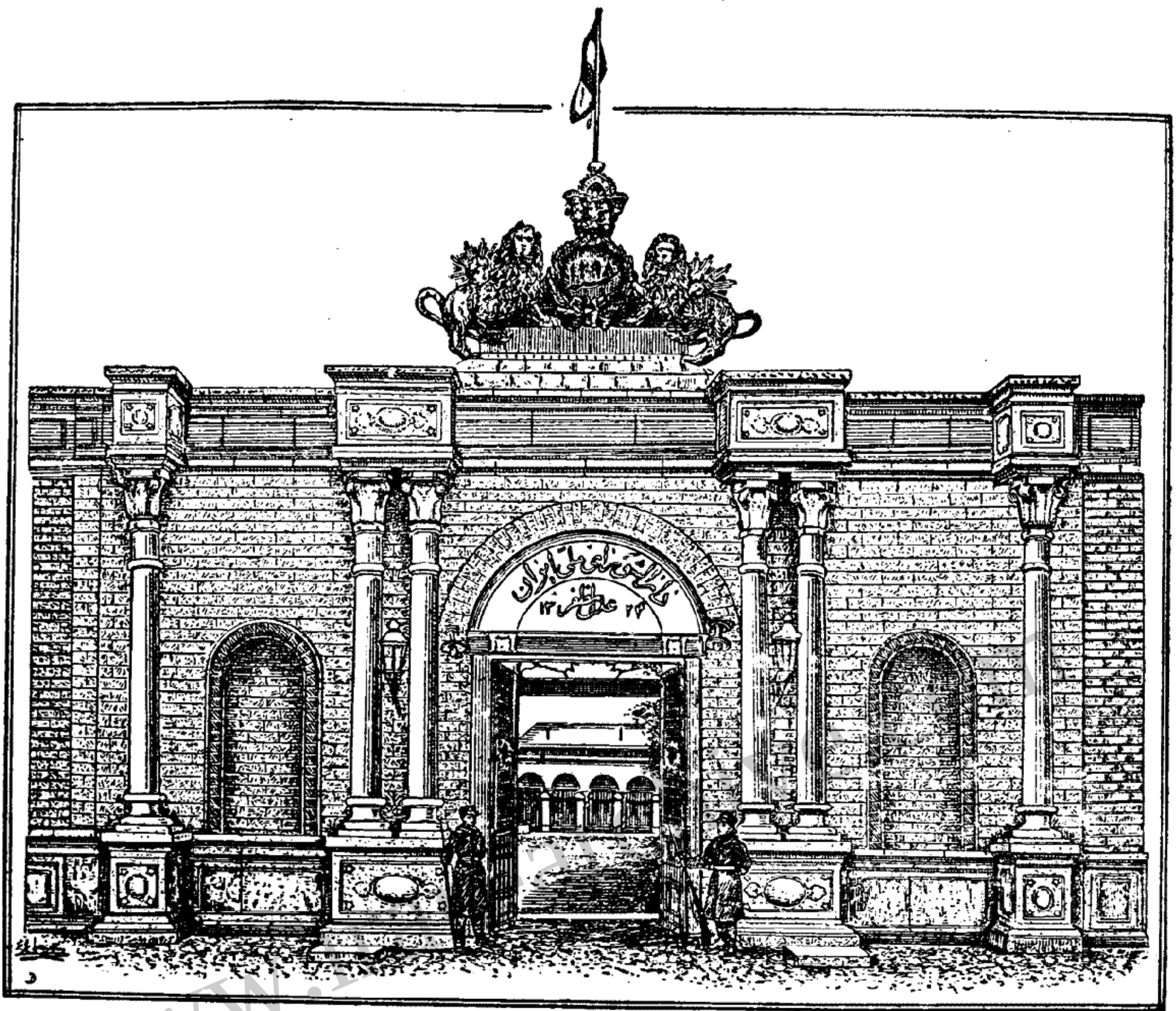




دوره هفتم تقنینیه

شماره

۴۶

مذاکرات مجلس

جلسه

۴۶

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه یکشنبه ۲۲

اردیبهشت ماه ۱۳۰۸

مطابق ۲ ذی حجه

۱۳۴۷

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

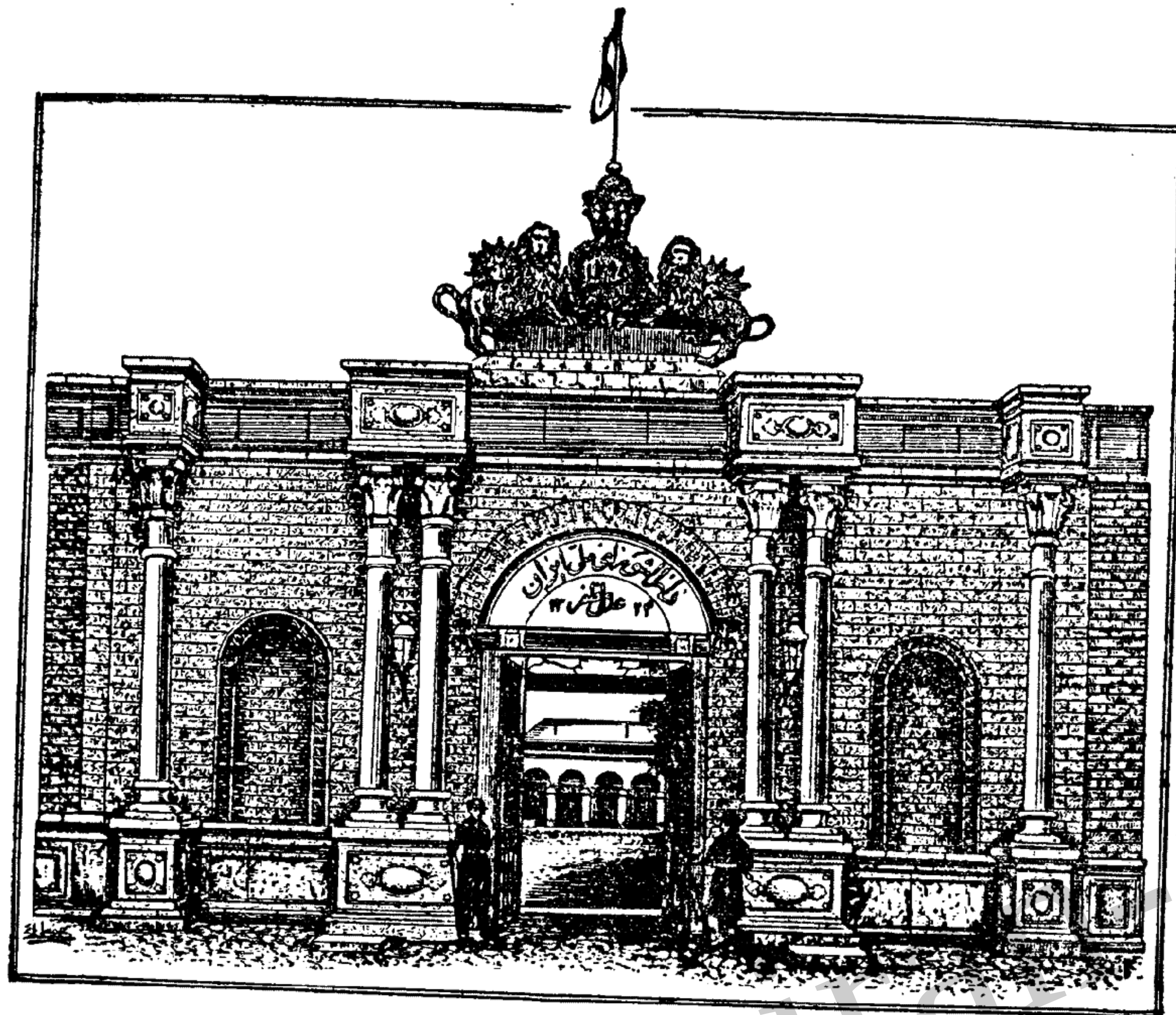
مطبعة مجلس

قیمت اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان
خارج ۴ دوازده تومان

قیمت تک شماره

یک قران



مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس به نكشند ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲ ذی حجه ۱۳۴۷

جلسه ۴۶

(مجلس يك ساعت و نيم قبل از ظهر)
 ریاست آقای دادگر تشکیل گردید)
 (صورت مجلس يوم پنجشنبه یوزدهم اردیبهشت)
 را آقای مؤید احمدی قرائت نمودند

غائبین با اجازه
 آقایان : نوخت - ملك آرائی - سید کاظم -
 بوشهری - عمادی - آشتیانی - وثوق قزوینی - همراز
 حبیبی - لرستانی - دبستانی - آقایان - میرزا محمد رضا شیرازی

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکرات در کلیات خبر کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی	۷۲۹	۷۴۱

طباطبائی و کلی - حاج سید محمود - تیمورتاش
غائبین بی اجازه

آقایان: شمیرانی - حیدری - عبدالحسین حان دیبا
امیر ابراهیمی - میرزا حسنخان وثوق - موقر - قوام
حاج رحیم آقا - میرزا ابو الفضل - مهدوی - حاج
حسین آقا مهدوی - شیخعلی مدرس - حاج حسن آقا
ملک - حاج غلامحسین ملک - محمد آخوند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - قبل از دستور

رئیس - آقای زوار

زوار - قبل از دستور

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. خبر کمیسیون

تجدید نظر در نظامنامه داخلی مطرح است

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه نمایندگان
محترم در چند دوره تقنینیه بر اثر تجربه و امتحان عملی
به نواقص و ابهامات نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی
بر خورده و تقاضای تجدید نظر و اصلاح آنرا نموده اند
در دوره چهارم تقنینیه طرحی تقدیم داشته اند که منجر
به ارجاع اصلاح نظامنامه به هیئت رئیسه کتبه و هیئت
رئیس وقت هم خبر خود را تهیه و طبع و توزیع شده است
و نیز نمایندگان محترم دوره پنجم تقنینیه نظر اصلاحی
نظامنامه داخلی را تعقیب و خیر هیئت رئیسه دوره
چهارم را بعنوان طرح قانونی تقدیم و پس از قابل توجه
شدن بکمیسیون خاصی ارجاع و خبر آن کمیسیون هم طبع
و توزیع گردیده است مجدداً طرحی در تاریخ ۱۳۰۷ از
طرف نمایندگان محترم حاضر دایر به تقاضای اصلاح مواد
نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی تقدیم گشت و در نتیجه
ارجاع امر بکمیسیون دوازده نفری منتخبه از شعب تصویب
رسید کمیسیون در جلسات عدیده بعد از مذاقه و مطالعه
در نظامنامه فعلی و مقایسه مواد آن با مواد اصلاحیه منظمه

از طرف کمیسیون دوره پنجم و با در نظر گرفتن احتیاجات
مشهوده در ضمن عمل و حذف قسمتهای غیر عملی و با
ملاحظه مواردیکه سابقه جای نص نظامنامه را گرفته
است و با رعایت سرعت جریان امور پارلمان و عدم اتلاف
وقت مواد پیشنهادی را که عبارت از ۱۴۹ است تنظیم
و اینک خبر آن را تقدیم میدارد.

تفاوتهای برجسته مواد مدونه از طرف کمیسیون
با مواد نظامنامه فعلی از حیث اصول نظامات داخلی
مجلس از قرار است که ذیلاً بعرض میرسد

(در نظامنامه پیشنهادی کمیسیون تجدید نظر پیش بینی شده است)
۱ - اقتراح برای شعب شش گانه هر شاه یکمرتبه بعد از
تجدید هیئت رئیسه بعمل خواهد آمد. کلیه کمیسیونهای عادی
از شعب انتخاب میشوند و وظیفه شعب فقط رسیدگی
به اعتبار نامه ها و انتخاب کمیسیونها است و مخبرین شعب
و کمیسیونها به تناوب از نقطه نظر اینکه جزء موافقین
خبر باشند انتخاب میگردند و نمایندگان حق حضور در
کلیه کمیسیونها را دارند

۲ - کلیه لوایح و طرحها يك شوری خواهد بود
مگر آنچه مربوط به امتیازات و معاهدات با دول خارجه
و اتباع آنها و وضع مالیات و عوارض و یا رأی مجلس
باشد که در این صورت دو شوری است و فوریت لوایح
و طرحها عبارت از فوریت فی المجلس است بدون اینکه
بکمیسیون ارجاع گردد

۳ - در رأی به قیام و قعود طریقه اتخاذ شده است
که متنعین شناخته شوند

۴ - وزراء باید جواب سؤال نمایندگان را فوراً
بدهند و اگر نتوانند تا يك هفته حق استمهال دارند
اگر وزیری بر حسب استیضاح مستعفی شد ممکن است
قراری که نتیجه استیضاح است داده شود وزراء باید
ماهی یکمرتبه جواب قطعی قانونی عرایض واسله بمجلس
را بدهند که باطلاع نمایندگان برسد

۵ - نمایندگان در هر دوره بیش از دو ماه متوالی
بسه ماه متناوب حق مرخصی ندارند و تاخیر تصویب

نمایندگی موجب نپرداختن مقرری نمیشود و نماینده که
شاه در مجلس حاضر نشود از وکالت منعزل است در
خانه تقاضا دارد نمایندگان محترم در موقع طرح این خبر
هر کدام علاوه از این خبر نظامنامه فعلی را هم همراه
داشته باشند تا در حین شور و مقایسه آسانتر باشد

رئیس - آقای دکتر حسن خان

دکتر حسن خان عظیمی - آقایان مستحضرد که
نظامنامه منحصر است به این مجلس و این وکلا
و کس دیگر در این نظامنامه شریک نیست به این
جهت باید نظامنامه را وقتی میخواهیم تغییر بدهیم
خیلی درش دقت و مطالعه بکنیم که اشتباهی درش نشود
و يك حق از این مجلس و سایر مجالس فوت نشود اینجا
در کلیات مینویسد که این نظامنامه رؤس که تغییر
کرده اینها است این بنظر بنده صحیح نیست زیرا پاره
از موادی با قانون اساسی مخالف است و بعضی دیگر بر
خلاف حیثیت این مجلس است حالا بنده عقاید خود را
عرض میکنم و بعد هم آقایان دیگر موافق و مخالف
فرمایشاتشان را میفرمایند مینویسد: کمیسیونها باید از
شعب انتخاب شوند. برای اینکه سهلتر باشد شاید
نظرشان این بوده است ولی بعقیده بنده این صحیح نیست
چرا؟ برای اینکه کمیسیونها مربوط به اکثریت مجلس
است حالا در این مجلس اکثریت و اقلیت نیست و همه
موافق دولت هستند این ربطی به مجلس ندارد. مجلس
دارای اکثریت و اقلیت است کمیسیونها باید بر طبق
رأی اکثریت از این مجلس انتخاب شوند که نسبت بلوایح
دولت در کمیسیون و در مجلس موافقت حاصل کنند وقتی
که بنا شد از شعبه انتخاب شود و اقلیتی هم فرض کنیم
باشد آنوقت اگر از مخالفین در کمیسیونها انتخاب بشوند
بیشتر باعث بطلان جریان کارها میشود و اسباب زحمت
است و حالا اگر آقایان درست توجه کنند می بینند که
عرض بنده صحیح است و یکی دیگر عیبش این است که
کمیسیونهایی که از شعب انتخاب میشود شاید اشخاصی
که بدرد آن کمیسیونها بخورد نباشند آنوقت آنها که

نمی توانند از شعب دیگر انتخاب کنند و باید از شعبه خودشان
انتخاب کنند مجبورند شاید دو نفری انتخاب شود که
مصلحت نباشد. بعد مینویسد کلیه طرحها يك شوری باشد
این صحیح نیست چرا؟ برای اینکه امروز در دنیا می
گویند سه شور و چهار شور آنوقت ما میائیم و میگوئیم
يك شور و این صحیح نیست و یکی دیگر مینویسد در رأی
به قیام و قعود طریقه اتخاذ شده که متنعین شناخته شوند
این برای چیست؟ بجز زحمت چیز دیگری نیست زیرا باید
یکدفعه از موافقین رأی بگیرند یکدفعه دیگر از مخالفین.
آنوقت شاید بدست نفر هم متنع باشند و اینها باید جزء
مخالفین رأی بدهند و این تقریباً مثل این است که یکدسته
را بخوانند مخالف بسازند برای اینکه باید دو مرتبه رأی
بگیرند و این صحیح نیست متنع یعنی آن کسیکه در موقع
طرح يك لایحه دلالتی دارد که این صحیح است و دلایل
دیگری هم دارد که صحیح نیست باین جهت مردد است رأی
نمیدهد پس این مخالف نیست نزدیک دارد. ولی اینجا در
جزء مخالف محسوب میشود حالا اگر مقصود تعیین موافق
و مخالف است این يك مطلب دیگر است که با ورقه هم
ممکن است فهمید کی رأی داده. کی نداده است و يك
مطلب دیگر هم که باید عرض کنم راجع بیک شوری و دو
شوری است در اصل ۱۳ و در اصل ۳۲ قانون اساسی
مینویسد: مذاکرات مجلس شورای ملی و از برای اینکه
نتیجه گرفته شود باید باحضور نمایانچی و روزنامه نویس
و اینها باشد. دلیلی هم که در این اصل مینویسد این است
که تفصیل گذارشات را مردم مطلع شوند که هر کس صلاح
اندیشی در نظر داشته باشد در روز نامه عمومی بنویسد
پس اگر دو شوری نباشد روز نامه نویس از کجا مطلع
میشود که بگوید صحیح نیست؟ پس باید دو شوری باشد
که روز نامه نویس و مردم سه بینند رسیدگی کنند و
اصلاحاتی که بنظرشان میرسد اعتراضاتی که دارند بنویسند
که در شور دوم تصحیح شود و باز در اصل ۳۲ مینویسد
هر کس میتواند عرضحال یا ایرادات یا شکایات خود را
بمجلس عرضه ندارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد

جواب کافی باو خواهد داد چنانچه راجع یکی از وزارتخانه ها است تا آنجا خواهد فرستاد . بالاخره کلمه ایرادات را مینویسد که اگر اینها راجع بمجلس باشد مجلس جواب کافی خواهد داد ایرادی که بمجلس میکنند چیست ؟ جز اینکه میگویند این لایحه که آمده این عیب را دارد برخلاف منافع عمومی است دیگر حق ندارند چیز دیگری بمجلس ایراد کنند که چرا شما سه ساعت بظهر یا چهار ساعت بظهر میآید . باز مینویسد : که وزراء باید جواب سؤال نمایندگان را فوراً بدهند این حرف هم غیر عملی است و معنی ندارد که در نظامنامه باشد برای اینکه سؤالی که از وزیر میشود باید برود فکر کنند مطالعه کنند آنوقت بیاید جواب بدهد فوراً که نمیتواند جواب بدهد . بعلاوه در اصل ۴۲ قانون اساسی مینویسد سؤال و توضیحی که از وزراء میشود باید بیرون از اندازه اقتضا بعد از تعویق نیفتد و اینکه اینجا مینویسد فوراً بیاید جواب بدهد مخالف این اصل است مضافاً باینکه غیر عملی است باید ده روز پنج روز فرجه داشته باشد که برود مطالعه کند بعد بیاید جواب بدهد بعد هم يك چیزی که توشن آن خیلی بنظر نموده بد است و خوب نیست این است که مینویسد نمایندگان بیش از دو ماه متوالی یا سه ماه متناوب حق مرخصی ندارند یعنی اگر این تصویب شد يك کسی را که دو ماه یا سه ماه مرخصی دادند دیگر مجلس نمیتواند بگوید نه . این صحیح است ؟ در صورتیکه حالا این مجلس گاهی میشود ده روز مرخصی را میدهد و ده ماه مرخصی را میدهد برای اینکه به اختیار مجلس است ولی وقتی که گفته شد بموجب این نظامنامه دوماء مرخصی داده میشود دیگر اگر چنانچه يك وقتی عدم هم کافی نباشد مجلس نمیتواند رأی بدهد و مطابق نظامنامه مجبور است که باین مرخصی رأی بدهد و این صحیح نیست بعد مینویسد که اگر يك وکیل فاش ماه در مجلس حاضر نشد منعزل است . در صورتیکه وکیل برای مدت دو سال انتخاب میشود و کسی نمیتواند او را معزول کند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

زوار - صحیح نیست خیر

دکتر عظیم - اصل پنجم مینویسد که منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند . معزول است چیست حالا اگر نیامد بخارانش بکنند . منعزلند معنی ندارد (نمایندگان صحیح است) مضافاً باینکه برخلاف قانون اساسی است چرا بجهت اینکه در اصل چهاردهم میگوید این نظامنامه باید چه باشد . قانون اساسی نظامنامه داخلی مجلس را تعریف کرده مینویسد نظامنامه داخلی امور شخصی خود را از قبیل انتخاب رئیس نواب رئیس منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات و شعب و کمیسیونها و غیره را مرتب و منظم میکند هیچ نمیگوید میتواند وکیل را منعزل کند و بعقیده بنده این صحیح نیست و اساساً ورود در اینکه نظامنامه داخلی را ما عوض کنیم مصلحت ما نیست و باید همین ترتیبی که هست باشد

رئیس - آقای احتشامزاده

بعضی از نمایندگان - نیستند

آقا سید یعقوب - بنده اجازه خواستم

رئیس - خیلی زود مانده است که بشما برسد

آقای زوار

زوار - نماینده محترم صدایشان خیلی ضعیف بود و بنده آن اندازه هائی را که می شنیدم و یاد داشت کرده ام مجبورم جواب بدهم : عرض کنم قسمت اولش راجع بوزراء بود . این جا مینویسد وزراء باید جواب سؤال نمایندگان را فوراً بدهند و اگر نتوانند تا يك هفته حق استمهال دارند . البته همانطوری که در بعضی جاها مخصوصاً در مرخصیها نماینده محترم به اهمیت مجلس قائل هستند در این جا هم باید بطریق اولی قائل باشند این جا وقتی میگوید وزراء باید فوراً جواب مجلس را بدهند در ضمن میگوید تا يك هفته هم حق استمهال دارند تا يك هفته بوزراء مهلت داده میشود و در ظرف این يك هفته وزیر هر گونه جوابی را میتواند در مقابل سؤال يك نماینده حاضر کند و این هم همانطور که نماینده محترم فرمودند يك سابقه هائی دارد ممکن است که مجلس يك اقلیتی پیدا کند . البته مجلس يك اقلیت را

يك اکثریتی لازم دارد و حالا خوشبختانه همه با هم موافقیم ولی ممکن است مجلس يك اقلیتی هم پیدا کند و این مطلب سابقه هم دارد ادوار گذشته يك ماه دو ماه ابتدا جواب بسؤالات نمایند نمیدادند و در اینصورت البته مطالب سؤال کننده از وزیر فوت میشد از این جهت اینرا اینجا قید کردند که وزراء باید فوراً جواب سؤالات را بدهند اگر ندادند ...

دکتر حسنخون - قانون اساسی تعیین کرده

زوار - تا يك هفته میتواند استمهال کنند و بنده

تصور میکنم این هیچ حقی را از سؤال کننده بمجلس

فوت نمیکند بلکه بر اهمیت مجلس میفزاید که وزیر

موظف است فوراً جواب بدهد یا فوقش در ظرف يك

هفته طول بدهد آمدم راجع مسئله مرخصی که فرمودند

البته ما قائل هستیم که مجلس شورای ملی مرکز نقل

مملکت و همه کار را می تواند بکند ولی يك اضافی

هم در کار است یعنی چه ؟ يك مثلی عرض میکنم : فرض

بفرمائید بنده يك قسری از حضرتعالی کردم در حدود

هزار تومان و در مقابل چهار هزار تومان خانه خودم

را بشما بیع شرط دادم و در آن موقع معین تو نسیم قرض

خودم را بدهم آیا انصاف و عدالت اجازه میدهد که در

مقابل هزار تومان شما چهار هزار تومان بدهم را ضبط

کنید ؟ ولو اینکه شرعاً حق با شما است ولی انصاف اجازه

نمیدهد که شما چهار هزار تومان من را در مقابل هزار

تومان ببرد . البته وکیل هر چه میخواهد میتواند بکند ولی

نباید بکند . علت اینکه صدوسی و شش نفر معین شده

است برای اکثریت عدم بوده که نتیجه شوروی حاصل شود

نسبت به ملت و مملکت و لااگر هفتاد یا هشتاد نفر کافی

بود البته در موقع وضع قانون هفتاد یا هشتاد نفر را

مینوشتند ولی فلسفه اینکه نوشته اند صدوسی و شش نفر

برای این است که شوروی بکنند و بالاخره مجلس هم که

محل تفریح گاه نیست نماینده محترم آقای امیر هماون تشریف

ندارند این جا در موقعی که اعتبار نامه آقای حاج غلامحسین

ملك النجار مطرح بود بنده مخصوصاً باین عنوان مخالفت

کردم که ایشان در مجلس حاضر نمیشوند و هنوز هم حاضر

نشده اند اگر حاضر نمیشوند چرا قبول کردند و انتخاب

شدند ممکن بود بجای آقای حاج غلامحسین ملك النجار

يك نفری انتخاب شود که بیاید اینجا پشت این صندلی

بنشیند و انجم و وظیفه کند يك مخارجی برای انتخاب

آقای حاج غلامحسین شده است ما باید بفهمیم که این

مخارج از کجا میشود این مرکز را اگر ما تشخیص دهم

که این پولی که خرج انتخابات میشود از کی ها گرفته

میشود آنوقت تفضلاً و زحماً باین ماده رأی خواهیم داد

اگر آقای حاج غلامحسین ملك النجار تشریف نمی

آوردند چرا انتخاب شدند ؟ شغل نجارانی دارند چرا

وظیفه مهمی را قبول کردند ؟ این وظیفه مهم است از

این نقطه نظر اگر يك وکیل تا شش ماه حاضر نشد

منعزل است و دولت باید تجدید انتخاب کند (عدم

از نمایندگان حقی ندارد) برای اینکه ملك وکیل لازم دارد

اورنگ - خرج دو مرتبه میشود

رئیس - بین لایقین صحبت نفرمائید

زوار - آقای قائم مقام شنیدید ؟ فلسفه اینکه اگر

تا شش ماه حاضر نشد معزل است این بود که عرض

کردم اما در موضوع مرخصیها در این جا هم باز بنده

همن اصل را قائم البته وکیل حق دارد میتواند يك

ماه دو ماه مرخصی بگیرد به استفاده از حقوق ولی باید

يك پزشکی را هم برای خودش قائل باشد آقا شنیده

چه امتیازی دارم یا فلاحت وزیر ؟ البته بنده وکیل

آن هم وزیر است و هر دو از حقوق و پول ملت

اعاشه میکنیم چرا ما یفاء وظیفه نکنیم و او بکند ؟

بنده را انتخاب کرده اند که بیایم اینجا زحمت بکشم تمام

سعادت ملت بجهت بکنم آنوقت برای اینکه بنده ناخوشم

پنج ماه اجازه بگیرم نه خدا راضی است و نه مخلوق

همچکس راضی نیست . عرض کردم در عین حال که بنده

معتقدم همه کار را میتوانم بکنیم ولی نباید بکنیم . در

ظرف دو سال البته دو ماه مرخصی برای هر کسی هست

و این برای این است که اگر در ظرف دو ماه در مجلس

— ۵ —

حاضر نشد حقوق بگیرد. در دوره ششم که بنده معترض به عضویت بودم سابقه دارم که يك نفر خبر مرخصیش رد شد بعد از چند روز کمیسیون مدتش منقضی شد و کمیسیون دیگری انتخاب شد و آن نماینده خودش در آن کمیسیون عضویت پیدا کرد و عین آن خبر را مجدداً آورد در مجلس و تصویب شد. التماس فرمودید پس دو ماه مرخصی مشروع را هیچ لازم نیست مجلس رأی بدهد همان روزی که میخواهد برود به اداره مباشرت اطلاع میدهد و میرود و دو ماه مرخصی هم کافی است ولی اگر دو ماه منقضی شد دیگر نباید حقوق بگیرد. پس بنام حفظ بیت المال مسلمین زیاده از دو ماه یعنی پنجماه شش ماه نمیشود مرخصی داد. این بود قسمت هائی را که نماینده محترم فرمودند و بنده این قسمت ها را که شنیدم جواب عرض کردم و عقیده ام این است این دو ماده بر جسته زین مواد این نظامنامه است و برای صلاح مجلس هم تصور میکنم خوب باشد که آقایان موافقت بفرمایند که اقل این ماده تصویب شود.

آقا سید یعقوب (ماده که مطرح نیست)

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده موافقم بعد از يك مخالف.

رئیس - جزو مخالفین نوشته اید محل را اشتباه کرده اید. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفت هائی را که بتغییر نظامنامه داخلی داشتم غالبش را بلکه تمام آن را آقای دکتر حسن خان فرمودند و بنده تکرار نمیکنم چون غالب چیز هائی را که ایشان فرمودند مد نظر بنده بود ولی چیزی که باقی مانده و ایشان فرمودند و بنده بآب عقیده ندارم این است که نوشته شده است مخبر کمیسیونها باید از موافقین باشند. بنده این را عقیده ندارم برای اینکه اولاً نمیشود هر روز يك مخبری را عوض کرد بعنوان اینکه با این لایحه مخالف است. مخبر باید بیطرف باشد مخبر مخالف یا موافق باشد بنده عقیده ندارم مخبر باید شخصی باشد بیطرف و صرف نظر کمیسیون را بگوید

مطلب نباید رای بدهید (من باب مثل عرض میکنم) بنده هم مقیدم میترسم مجبور میشوم رأی ندم حالا که الحمدلله نیست و وجود خارجی ندارد پیش بینی است که بعد ها ممکن است ایجاد بشود باین ملاحظه بنده مخالفم و مخالفت های دیگر هم دارم مثلاً همان چیزی که آقای دکتر فرمودند که وزیر در ظرف هفت روز جواب سؤال وکیل را بدهد غالباً ممکن است در ظرف يك هفته جواب ندهد بعضی چیز ها هست که در ظرف هفت روز امکان ندارد جواب بدهد مثلاً يك مطلبی است که در آخرین نقطه امریکا باید آقای وزیر تحقیق کنند و جواب بدهد و این البته در مدت یک هفته امکان ندارد و لا اقل باید پانزده روز مهلت بدهند که تمام قسمت ها را تحقیق کنند و جواب بدهند والا اگر بنا بشود که فوری بادر ظرف یک هفته باشد غالب سؤالات بی جواب خواهد ماند رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - البته نظر محترم آقایان هست که در اوایل مجلس هفتم این نظامنامه نظر باینکه يك نوعی داشت که مبنای آن نوعی مرتفع شود طرحی با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد و با يك شوق و شعفی ما طرح را گذراندیم و کمیسیون انتخاب شد بطور فوق العاده که بنده هم عضویت آن کمیسیون را داشتم و برای اینکه کار برای مجلس نهیه کنیم ما بعجله مواد نظامنامه را که در دوره پنجم اصلاح کرده بودند و آقای تیمور تاش و آقای دادگر رئیس محترم مجلس و آقای دکتر مصدق و آقای شیروانی و يك عده از رفقای آن دوره عضویت آن کمیسیون را داشتند و نظامنامه را اصلاح کردند که طبع و توزیع هم شده است ما منوط بتجدید نظر را همان نظر اصلاحی دوره پنجم را قرار دادیم. بعضی مواد مورد مشاجره زیاد شد در کمیسیون و یکی دو ماه همانطور که آقای عظیمی فرمودند مورد توجه قرار داده بودند و چون اختلافات مرتفع نشد با نظر مجلس واگذار کردیم گفتیم لایحه ایست در شوری میبریم مجلس در مجلس بحث میکنند و پیشنهادات داده می شود و کاملاً نظریات و کلام معلوم میشود آسوقت در شور ثانی

ممکن است تکلیف اساسی را معلوم کنیم یکی از مسائلی که قابل تجدید نظر بود و حالا آقای فیروز آبادی اعتراض کردند و الان شاهد مثلاً است و میخواهم خدمتشان عرض کنم این است بنده سمع مخبری در این کمیسیون دارم ولی باینکه دو تا از این اصلاحات مخالفم. یکی همان مسئله انزال وکیل است که يك عده موافق بودند و یک عده مخالف یکی اینکه بیائیم طوری رأی بگیریم که مختصم را معین کنیم این را هم بنده عقیده ندارم و معتقدم که همچو لزومی ندارد این دو چیز است که در این نظامنامه هست و بنده هم مخالفم با اینها حالا شما میفرمائید که من دفع کنم! این بر خلاف نظریه و عقیده ام است چطور میتوانم دفع کنم و اعتراض شما را جواب بدهم؟! باین جهت است که میخواهم عرض کنم مخبر باید روی موافقت خبر انتخاب شود. مخبری که مخالف خبر کمیسیون و لایحه دولت است این معقول نیست نمیتواند دفاع از نظریه کمیسیون کند. پس مخبر نظریه اکثریت کمیسیون را دفاع میکند عقیده شخص خودش را که نباید بگوید ولی اگر خودش موافق باشد قهراً از روی عقیده و ایمان دفع میکند نظریه اکثریت کمیسیون را و همان هم مطلوب است برای اینکه مخبر باید دفع کننده نظریه اکثریت کمیسیون باشد بکنفر از نمایندگان - خبر کمیسیون

یاسائی - خوب در هر صورت خبر هم مال کمیسیون است افراد که خبر ندارند کمیسیون نتیجه رأی اکثریت است چیز دیگر که نیست بهر حال رایورنی تقدیم مجلس شده و آقایان هم معلوم میشود فقط این چیز هائی را که بنده در مقدمه رایورت گذاشته ام خوانده اند و مواد را اصلاً در نظر ندارند الان بسیاری از سواقی در داخل مجلس معمول است که برخلاف نظامنامه فعلی است ولی بحکم سابقه ما قبول کرده ایم ما آنها را داخل نظامنامه کرده ایم هم سابقه است و هم از نقطه نظر عمل دیدیم بهتر است گفتیم خوب جزء نظامنامه هم باشد یکی هم بعضی مواد در نظامنامه فعلی هست که عملی نیست مثلاً موادی دارد که میگوید شعب تشکیل میشود لوائح

و طرحها را بانجا ارجع میکنند و آنها در نظرش شور میکنند و میدهند به کمیسیونها کمیسیونها هم نظریات خودشان را میاورند بمجلس هیچوقت این قضیه عملی نشده مگر نظرم میاید در دوره پنجم راجع به تکلیف (مطلب) بود که اگر آقایان نظرشان باشد گفتند شعب تشکیل بشوند به بنمند مطلب چیست ولی بالاخره مطلبی هم ارزش بیرون نیامد . . .

افسر - مسئله طراز اول هم بود

محرر - بلی مسئله طراز اول هم بود . هر حال از نقطه نظر بطور جریان این ماده از مواد نظامنامه عملی نشده و نظیر این خیلی زیاد است . یکی دیگر از چیزهایی که مورد نظر ما بود این بود که کمیسیون عرایض را يك قدری اهمیت بدهیم بالاخره کمیسیون عرایض مجلس بمشأه پست است و این مسئله متناسب با حیثیات مجلس نیست ما گفتیم عده کمیسیون عرایض دوازده نفر است بالاخره سعی کنید که اشخاص پشت کار دارتری انتخاب شوند اگرچه آقایان فعلی هم پشت کار دارند ولی بیشتر وقتشان صرف تصویب مرخصیها میشود ما در نظر گرفتیم کمیسیون مرخصی ضمیمه محاسبات مجلس بشود از نقطه نظر رسمی که با محاسبات مجلس دارد و کمیسیون عرایض مستقلاً بعرایض رسیدگی کند و بالاخره باخبرین جواب قانونی وزیر قانع شود والا در مجلس مطرح کند خلاصه يك موادی است که بنده حالا بخوام یکی بکیش را بخوام موجب تضییع وقت آقایان است البته در موقع شور مواد ملاحظه خواهند فرمود تقریباً هفت هشت ماده است که در تجدید نظر اصلاح نشده است بقیه موادی اصلاح شده و هر يك شاید جهاتی داشته باشد که بعد در موقع شور عرض خواهد شد اما اعتراضاتی که آقای دکتر یاد داشت کرده بودند غیر از آن دو ایرادی که خود بنده هم مخالفم ولی بالاخره ناچارم نظریه کمیسیون را در ضمن جواب سایر اعتراضات عرض کنم یکی این بود که فرمودند کمیسیونها چرا از شعب انتخاب شود و از مجلس انتخاب نشود برای اینکه در مجلس اقلیت و

اکثریت است همه اینها صحیح ولی در مجلس اقلیت و اکثریت است در شعب هم اقلیت و اکثریت هست بالاخره شعب شش قسمت از مجلس است مجلس را شش قسمت کرده اند هر يك اسمش شعبه است . بنده اگر در مجلس موافق دولت هستم در شعبه هم موافقم و اگر مخالفم در مجلس مخالفم در مجلس مخالفم در شعبه هم مخالفم هیچ تفاوتی از حیث اراده نقرات اقلیت و اکثریت ندارد که ما بنگه نیم کمیسیونها از شعب انتخاب شود یا از مجلس بعلاوه کمیسیون بودجه که یکی از کمیسیونهای فعلی است با کمیسیون عرایض و بعضی کمیسیونهای دیگر از شعب انتخاب میشود و خیلی هم انتخابشان سریعتر است انتخاب در مجلس فقط باعث تضییع وقت مجلس است برای اینکه انتخاب هشتاد نفر و کاندیدا معین کردن و تقسیم کردن بین و کلاً با آن مقدماتی که در نظران هست (حالا این دوره قدری کمتر شده است) اگر ادوار گذشته تشریف میداشتید میدیدید که چه جادو و جنجالی در اطراف انتخاب کمیسیونها بعمل میآمد بدون اینکه موجبی داشته باشد اگر ما انتخابات را به شعب واگذار کنیم بدسر و صدا تر و سریعتر است و متناسب و تخصص هم اگر باشد بیشتر است برای اینکه در آنجا يك مواجهه هائی هست که بالاخره بطور کلی در يك وضعیت مبهمی کسی خودش را کاندید نمیکند . اگر چنانچه در يك وضعیت محدودی کاندید بشود البته يك رعایتی در یکدیگر میکنند و يك تناسبی بیشتر رعایت میشود و اگر شما دقت کنید در کمیسیونهای که از شعب انتخابات شده اند سوابق را مراجعه بفرمائید می بینید السبب این است که از شعب انتخاب شود و سریعتر هم خواهد بود معذرت بکنم بنظر آقایان است . آقایان نظریه شش در شور اول معلوم می شود که کمیسیونها از شعب انتخاب شوند بهتر است یا از مجلس . بالاخره هر چه نظریه اکثریت بود همان خواهد شد این چیز مهمی نیست و تأثیر زیادی ندارد دیگر اینکه فرمودند در تمام مجلس دنیا دارند قوانین را دو سه مرتبه تحت شور میگذارند چرا ما بیائیم اصل را يك شوری قرار دهیم .

ما از نقطه نظر وضعیات خودمان و احتیاجات خودمان و احتیاجی که مملکت سرعت کار دارد باید نظامنامه را بنویسیم و بالاخره تقلید و تبعیت هم که میکنیم با تمام لوازمش باشد در فلان مملکت اروپا یا امریکا اگر شور میشود شورشان شبیه شور بنده و جنابعالی نیست خوب است دبیرپایان است ولیدر است لیدر مخالف حرفهایش را میزنند لیدر حزب بعنوان موافق دفعش را میکنند بعد هم رای میگیرند و تمام میشود این ترتیب که اینجا معمول است آنجا معمول نیست و هنوز هم خیلی زود است که ما بتوانیم آن مقدمات را فراهم کنیم بنا بر این آنها ممکن است يك قانون صد ماده را در دو دقیقه بگذرانند مثل معاهداتی که ما خودمان میگذرانیم این ترتیب که معمول است ماست آنها دقت نمیکنند اگر اساساً لوائح دو شوری باشد وقت مجلس بیشتر تضییع میشود و بالاخره من متأسفم از اینکه ابرائیم اخلاقشان این است (و ما هم مظهر ابرائی ها و نماینده آنها هستیم) همیشه کار را آخر موقع میکنیم چرا آمدند گفتند استیفاء لازم نیست ده ماه باشد یا نه باید مدت کم باشد برای اینکه دیدیم ابرائی صبر میکنند روز آخر مدت حواش جا میآید خود لوائح را میگذاریم جیبمان روزی که میخواهد مطرح شود میفرستیم اداره تقنینیه عقب لوائح در صورتیکه لوائح را مدتها قبل توزیع کرده اند و بالاخره ما مراجعه نمیکنیم . آقای مدرس يك وقتی در کمیسیون عدلیه میگفتند ما بنا بر این بگذاریم که در ملکمان اصل استیفاء باشد در صورتیکه ظاهر این است که استیفاء خلاف اصل است از نقطه نظر مملکت ما و اینکه قضات بدئی ما درست ورزیده نیستند و حالا انفرادی شده اند و بیشتر باید در عملیات آنها دقت کرد گفته شد اصل استیفاء باشد نه اینکه اصل عدم استیفاء باشد - شما ممکن است نظرتان این باشد که اصل دو شوری باشد و موارد يك شوری را منها کنند بنده عقیده ام این است که اصل يك شوری باشد و موارد يك شوری را جدا کردیم اصلاً ما چند چیز را از موارد يك شوری جدا کردیم کلیه لوائح خرجی که میآید مگر يك شوری نیست ؟ مگر اهمیت

لوائح خرجی کمتر از سایر لوائح است ؟ اینطور که نیست اهمیتش شاید در بعضی قسمتها بیشتر باشد تمام يك شوری است و هیچوقت مورد اعتراض نماینده نشده است در مورد لوائح خارجی امتیازاتی که میخواهیم بخارجها بدهیم چه بدول خارجی چه بانواع خارجی و در موارد قرار داد و مقاولات هم ما در اینجا قید کرده ایم که حتماً باید دو شوری باشد و در قسمت وضع مالیات و عوارض هم باز قید کرده ایم دو شوری باشد برای اینکه دقت و مطالعه بیشتر میشود . در سایر موارد بعقیده بنده هیچ موجبی ندارد که دو شوری باشد مثل هم بنده خیلی دارم که حالا نمیخواهم عرض کنم قانون بلدیه را ما بمواد آخرش رساندیم در شور دوم و از بین رفت در صورتیکه اگر يك شور بود تمام شده بود کاهی ما جنبه افراط را میگیریم دولت جنبه تفريط کاهی برعکس ما جنبه تفريط را تعقیب میکنیم دولت طرف افراط را میگیرد چرا دولت می باید پشت تریبون تقاضای فوریت لوائح را میکنند برای اینکه اصل دو شوری است خوش را میخواهد راحت کند که زودتر تمام شود در صورتیکه هیچ فوریت هم ندارد و ادله فوریت کافی نیست از نقطه نظر سرعت عمل تقاضای فوریت میکنند ما از نقطه نظر خودمان باید زودی برقرار کنیم که من بعد دولت اینقدر تقاضای فوریت نکنند راهش این است که چیزهائی که مهم نیست ما يك شوری کنیم يك قسمت از قوانینی که محتاج الیه مملکت است قوانین قضائی است که مربوط بکمیسیون عدلیه چرا میبرد ؟ برای اینکه سه چهار هزار مواد قوانین مربوطه بعدلیه را اگر بخوانند بیاورند دو شوری از مجلس بگذرانند از خود آقا مهرسم هیچ عملی هست ؟ توجه این میشود که اختیار بدهند کمیسیون دوازده نفری اگر ما يك وضعیت معتدلی را ایجاد کنیم بوزارت عدلیه بگوئیم حالا که لوائح شما يك شوری است بیاورید بمجلس يك شور بشود شاید دولت هم این قدر ها از نظریه ما اجتناب نکند برای اینکه مقصود سرعت در کار و تسریع در عمل است

در هر صورت این نظریه ماها بود حالا آقایان اگر نظرشان این است که ده شوری هم باشد خود داند جنبه افراط و تفریط را اگر ما رها کنیم و جنبه معتدلی را برای خود ایجاد کنیم اینطور نمیشود که بالاخره حالا يك بلديه قانونی هم نداشته باشیم. شما مراجعه کنید بمواردی که پیش آمده است از نقطه نظر نظامنامه داخلی مجلس و نظریات خارج و داخل به بینید اگر ما يك نظامنامه داشتیم که از نقطه نظر عمل سریعتر بود شاید بهتر بود. در قسمت معاهدات با خارجی ها و وضع مالیات و عوارض بنده هم موافق هستیم که سه شوری باشد ولی در سایر موارد که مربوط بمسائل داخلی مملکت است که اهمیت ندارد مثل اوراق خرجی يك شوری باشد يك موضوع دیگر که مورد انتقاد آقای دکتر شد این بود که چرا متمنع شناخته شود خود بنده هم معتقدیم که متمنع شناخته نشود یا بشود هیچ تأثیری ندارد و آقای فیروز آبادی هم يك اشارتی فرمودند که بالاخره برخلاف آزادی وکیل است که شناخته شود بنده عقیده ام این است که متمنع معنی ندارد لازمی است . . .

کاررونی - مخالف است

مخبر - متمنع را از نقطه نظر نظامنامه داخلی شما در ردیف مخالف حساب نمیکنید متمنع لازمی است نمیداند این خوب است یا نیست یا در تحت تأثیری واقع شده یا می رسد بالاخره بهر تعبیری که شما میخواهید بفرمائید ولی اگر از نقطه نظر صفت وکیل متمنع را معین کنیم خیلی خوب است برای اینکه وکیل یکی از صفات برجسته اش رشادت است یکی از صفاتی که وکیل باید داشته باشد شجاعت است و بنده این صفت را در سایر صفات ترجیح میدهم خوب راستی راستی اگر چنانچه نفیهمد مضار و منافع يك موضوعی را متمنع باشد و خود را معرفی کند که نفهمیده و اگر راستی راستی مخالف است چرا در برده استقامت منع خودش را مخفی کند بالاخره علناً خودش را معرفی کند بالاخره بنده شخصاً اصراری ندارم که حتماً اینطور بشود که يك مرتبه موافقین قیام کنند يك مرتبه

که این شکایات را هم نمیکنند. يك موضوع دیگری که مورد ایرادشان بود این بود که چرا مرخصی محدود بشود. بنده بنظر میآید که اقداماتی (اقدامات نمیشود. تعبیر کرد) يك اظهاراتی از طرف نمایندگان اینقدرها متناسب با حیثیات و شؤونات خود نمایندگان نیست ما در اینجا راجع بمرخصی ها دیده اید هی موافقت و مخالفت میکنیم حرفهای زننده میزنیم در صورتیکه اصل مطلب درست است هر نماینده لا اقل مثل مستخدم دولت حق یکماه مرخصی در سال دارد این اصل است اگر نماینده برای مدت يكسال يك ماه مرخصی خواست باید کمیسیون بدهد در مدت دو سال در ماه باید بدهد اگر خیر فوق العاده بود بنظر مجلس واگذار شود شما برای مستخدمین اداری دولت این حق را قائل هستید که سالی يك ماه حق مرخصی دارند ما هم درباره نمایندگان همین اصل را قائل شدیم که کمیسیون حق دارد خودش این مرخصی را بدهد منتهی مدت مرخصی متناوب باشد بامتوالی این بسته به نظر مسترخص است بعلاوه وقتی که صورت مجلس را میخوانند ملاحظه فرمائید خوانده میشود فلان کس يك ساعت در آمده فلان آقا ده دقیقه در آمده یا فلان آقا اصلاً نیامده بعد از طرف آقایان اعتراض و ایراد میشود مسئله به هیئت رئیسه میرود و در آنجا تحقیق و رسیدگی میشود که آیا من واقعاً اجازه خواسته بودم یا شاهد من مثلاً فلان آدم است بالاخره یکی تکذیب میکند یکی تردید میکند به عقیده بنده تمام این ها خارج از نزاکت است حالا ما در این جا پیش بینی کرده ایم که این اعتراضات اصلاً نباید بشود بنده فرضاً اگر اعتراض دارم بمقام ریاست عرض میکنم و ایشان امر میفرمایند اصلاح بشود بالاخره این ها يك چیز هائی است ولو اینکه خیلی كوچك است ولی از نقطه نظر جریان کار يك چیز هائی است که باید اصلاح شود و اگر چنانچه ما این اصل را قبول کنیم و قائل شویم که وکیل در سال حق يك ماه مرخصی دارد غیر از مواقع و موارد فوق العاده از قبیل کسالت مزاج و غیره مثل آقای قاضی میرزا هاشم آشتیانی که همه ماها میدانیم ایشان

مرض هستند و هر وقت هم حالشان خوب بشود میبایند و ما هم رأی میدهم غیر از این موارد فوق العاده که پیش میآید اگر کسی خواست برای کارهای خودش برود مثلاً بنده اگر خواستم برای کارهای شخصی خودم بدامغان بروم سالی يكماه حق مرخصی دارم و کسی حق ندارد بر بنده اعتراض کند یا بنده بدیگری اعتراض نمایم اما مسئله اینکه وکیل اگر شش ماه نباید منعزل است این نظر کمیسیون سابق است و این ماده مورد اختلاف شد اغلب رفقا هم مخالفت کردند و مذاکرانی شد بالاخره قضیه حل نشد ما هم برای اینکه وقت را تلف نکرده باشیم بمجلس رایورت دادیم تا تکلیفش در این جا معلوم شود

موضوع دیگری که آقای فیروز آبادی اعتراض کردند این بود که ناخیر تصویب نمایندگی چرا موجب استفاده حقوق باشد این مسئله سابقاً هم تحت مذاکره و مباحثه آمده بود که اگر فرضاً جنبه مالی یا بنده بی لطف شدید یا بنده نسبت بشما کم ارادت شدم بواسطه يك نظریات خصوصی که بنده و جنبه مالی بهتر میدانم ممکن است اعتبار نامه بنده را مثلاً سه ماه به تأخیر بیندازید و بنده سه ماه در مجلس معطل بشوم بعد هم تصویب میشود و در این مدت هم بنده مثل جنبه مالی کار و خدمت کرده ام فقط تفاوت من با شما همین بوده که اعتبارنامه شما زود تر تصویب شده ولی مال من بواسطه يك موضوعی که پیش آمده چند ماه به عهده تعویق افتاده در این صورت چرا نباید به بنده حقوق داده شود ۱۹ ما همچو قائل شدیم که وقتی اعتبارنامه تصویب شد از همان روز اول باید به او حقوق داده شود زیرا این مسئله کاف از صحت نمایندگی است. و اگر هم چنانچه رد شد که هیچ حقوق داده نمیشود در هر حال مقصود این است اگر تصویب نمایندگی يك نفر وکیل بعهده تعویق افتاد و بعد از چندی مجلس اعتبارنامه او را تصویب کرد از آن مدتی که در مجلس بوده باید حقوق بگیرد این يك چیزی نیست که از نقصه نظر بودجه عمومی تأثیری داشته باشد ولی ممکنست از نظر بودجه شخصی يك نفر نماینده

مؤثر باشد. در هر صورت اینها عرایضی بود که در جواب آقایان مخالفین لازم بود عرض کنم حالا اگر سایر آقایان هم ایراداتی دارند در موقعش جواب عرض خواهد شد. ولی بهتر آن است که فعلاً مذاکره در کلیات کافی باشد و مواد مطرح شود. بحث هم يك مبحث خیلی خوبی است از نقطه نظر ما. و در واقع يك ورزش و کالافی است مطالعه و مباحثه در اطراف این مسئله خیلی مفید است. بعد آقایان نظریات خودشان را ممکن است در ضمن پیشنهاد اظهار دارند و در شورائی آنوقت نظریات معلوم خواهد شد. اگر راستی دیدیم نظر مجلس بر این است که این نظامنامه تصویب شود که راپورت نوی خواهیم داد و اگر دیدیم خیر آقایان مخالفند و میل دارند که همان نظامنامه سابق باشد و بعضی سوادش متروک باشد یا سابقه های نظامنامه را بگیرد دیگر در شورائی این راپورت را نمی آوریم و میگذاریم برای دوره های دیگر.

رئیس - پیشنهادی از آقای فهمی رسیده است قرائت می شود.

(تضمن ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این راپورت از دستور خارج و به کمیسیون برگردد تا موادی که قابل تغییر و اصلاح فوری است مجدداً پیشنهاد نمایند. بعضی از نمایندگان کارروائی (دلیلس را گوش ندهید صبر کنید بگویند) رئیس - آقای فهمی

فهمی - بنده با این راپورتنی که کمیسیون راجع به نظامنامه داخلی داده از اول تا آخرش مخالفم. علتش این است که در ابتدای مشروطیت در دوره اول مجلس يك قانون اساسی نوشته شد برای آزادی و مشروطیت و برای داشتن پارلمان بلك زحمات زیاد و خدمات فوق العاده در دوره دوم مجلس در موقعی که قسمت استبداد از بین رفته بود و آزادی خواهان مسلط بودند و مجلس اقتدار داشت و مشروطیت حقیقه معنی داشت در چنین موقعی با نهایت سعی و جدیت این نظامنامه نوشته شد و این نظامنامه برای مجلس شورای ملی مملکت مشروطه و آزادی است و چند سال هم هست

که معمول است شاید بعضی از موادش در ضمن اجراء و عمل دچار يك اشکال مختصری شده است اما نه باین اندازه که موجب شود ما بیائیم و این نظامنامه را بکلی تغییر بدهیم اگر در مجلس هم برای اصلاح اظهار موافقتی شده است بنده گمان نمیکنم مقصود این بوده است که حیثیت و معنی پارلمانی را از بین ببرند این تغییراتی که آلاّن در نظامنامه داده شده يك قسمتش کاملاً مخالف قانون اساسی است مثلاً میگوید اگر و کیلی شش ماه بمجلس نیامد منعزل است توضیحی هم که آقای یاسائی دادند متناقض بود زیرا فرمودند ما دو ماه سه ماه برای مرخصی حق معین کرده ایم برای اینکه در راپورت مرخصی هائی که به مجلس میآید موافق و مخالف حرف زنند و حیثیت و کلاً محفوظ باشد ولی از از يك طرف اگر شش ماه نیامد منعزل است ... یسائی - ما مخالفیم اغضاء کمیسیون هم مخالف هستند. افسر - پس کی این راپورت را نوشته

فهمی - مسئله دیگری فرمودند که کمیسیونها را از شعب انتخاب کنیم بهتر است برای اینکه جابجاء و جنجال و سر و صدائی نشود و فرمودند چه فرق میکند شعب هم از حیث اکثریت و اقلیت مثل مجلس است در صورتیکه اینطور نیست شعب با قرعه انتخاب میشوند و ممکن است يك شعبه تمام از اقلیت یا اکثریت باشند پس نمیشود گفت که شعب هم حال مجلس را دارد و یکی است و اینکه معین کرده اند که بعضی از کمیسیون ها از شعب باشند برای این بوده است که نظریات اکثریت و اقلیت حکمفرما باشد باید دانست که بعضی از کمیسیون ها مثل کمیسیون بودجه و عرایض و مبتکرات نظریات سیاسی در لوائح نباید داشته باشند و باید روی اصل اجرائی قانون بودجه یعنی روی اصل اداری بودجه که دولت بمجلس آورده نظر داشته باشند و فقط اصول اداری را رعایت کنند اما کمیسیون مالیه مثلاً نظر سیاسی مملکتی را هم باید رعایت کند یعنی نظر مالی مملکت را و این کمیسیون وقتی می تواند این نظریه را اعمال کند که مطابق رای اکثریت مجلس انتخاب شده باشد. اگر تقسیم کردیم کمیسیون ها را بعضی بشعب و بعضی بمجلس برای اینست که نظریات اکثریت و اقلیت بمجلس رعایت شده باشد شعبه با قرعه معین میشود و در آنجا مسئله اکثریت و اقلیت در کار نیست بنده

در این جا دیدم این ترتیبی که معین شده بکلی مخالف با قانون اساسی و مشروطیت است. در مملکت مشروطه باید مسئله اقلیت و اکثریت در کار باشد در نظامنامه داخلی مجلس باید نظر اصلی مراعات قانون اساسی باشد و در این نظامنامه که نوشته اند رعایت این مسئله نشده قانون اساسی دستور اصلی نمایندگان است منتهی طرز اجرا و رویه که برای این دستور باید در کار باشد توسط نظامنامه داخلی معین میشود. فعلاً هم ما این قدر احتیاج و ضرورت نداریم که تمام مواد نظامنامه را از سر تا ته بهم بزنیم. میفرمائید لوائح يك شوری باشد این کار بسیار غلطی است برای اینکه لوائح باید دو شوری باشد که از اول مواد تا آخر مواد يك مرتبه نمایندگان به بینند و دقت کنند بعد در مرتبه و شور دوم با دقت و مطالعه بآن رای بدهند ممکن است در آخر و در شور دوم يك چیز هائی به بینند و بنظر شان برسد که با مواد شور اول متناقض باشد

خودشان هم مثل زدید که در سایر جاها لیدرهای طرفین در لوائح مداخله و مدافعه میکنند و حرفش را میزنند و بعد رای میدهند. با وجود اینکه در آنجاها اختیار بالیدرها است لوائح را دو شوری میکنند پس در جائی که در این مملکت این اصل رعایت میشود در این جا هم بطریق اولی باید باشد حالا کار نداریم که در این مجلس الحمد لله همه موافقیم و هیچ مخالفتی نداریم ولی ما باید این فکر را بکنیم که نظامنامه را برای مملکت مشروطه نوشت از نقطه نظر خودمان نباید بنویسیم بلکه برای مجلس شورای ملی و از نقطه نظر مجلس باید بنویسیم شاید در ادوار بعد يك اقلیت و اکثریتی در مجلس ایجاد شد. نظراً همیشه باید به اقلیت و اکثریت و نظامات مجلس باشد

روحی - در کلیات صحبت میکنید

کاررونی - مکرر اینطور شده است

فهمی - چون بنده دیدم غالب آقایان اظهار مخالفت با این راپورت میکنند پیش خودم فکر کردم شاید این راپورت رد شود در صورتیکه شاید لازم باشد يك اصلاحاتی در آن بشود از این جهت پیشنهاد کردم

برود بکمیسیون و کمیسیون يك نظریاتی در آن بکنند و آنهائی را که بعقیده خودشان هم که لائب فرمودید نظری در آن ندارید خارج کنید و آن موادی را که واقعا امروزه طرف احتیاج است اصلاح کنید (ده بازده ماده هرچه هست) آنها را اصلاح کنید و بیاورید به مجلس و ما هم رای میدهم آن مواد دیگری را بگذرید برای بعد شاید يك موقع دیگری هم پیش بیاید که صلاح چهار ماده دیگری لازم باشد البته در موقع خودش مجلس دیگر صلاح خواهند کرد. اما اینکه حالا ما بیائیم و يك مرتبه از سر تا ته مواد را بر هم بزنیم این صحیح نیست.

رئیس - آقای بیات

مرضی قلیخان بیات - همان طوری که آقای یاسائی اظهار کردند بنده عقیده ام این است که حقیقه مذاکره در طرف نظامنامه برای همه آقایان مفید است زیرا که يك درس عملی است برای آقایان (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و مباحثاتی میشود و در ضمن مطالب حل میشود کاررونی - برای تدریس است؟

مرضی قلیخان بیات - بنابر این بنده عقیده ام این است که حالا مذاکره بشود و در ضمن مذاکرات مطالب بدست میآید این قسمتهائی را هم که آقای فهمی فرمودند باید اصلاح شود شاید بنده هم با نظریه ایشان موافق باشم ولی خبر کمیسیون هم که نمیتواند تشخیص بدهد که آقایان با کدام يك از مواد مخالفند و با کدام موافق. و مواد را از هم جدا کنند پس بهتر این است که خود آقای فهمی هم موافقت فرمایند و پیشنهاد خودشان را مسترد بدارند و اجازه بدهند که در اطراف این راپورت مذاکره و مباحثه بشود و در ضمن مذاکره زمینه و نظریه مجلس معلوم خواهد شد که با کدام يك از مواد مخالف است و با کدام موافق بالاخره این راپورت هم دو شوری است. حالا مذاکرات میشود و زمینه بدست میآید در شور اول نظریه مجلس معلوم میشود و بعد در شور دوم راپورتنی که از کمیسیون داده میشود جامع خواهد بود و دیگر محتاج به مباحثه زیاد نیست و اشکالی ندارد

را اظهار نکرده اند چه عجله دارید ؟ خوبست اجازه بدهید نواقص و معایب این راپورت را در ضمن عمل اظهار بکنیم آنوقت داخل در مواد بشوید .

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات . آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .
(دو سه نفر قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد . از طرف آقای ملک مدنی و آقای زوار پیشنهاد ختم جلسه شده است ولی قبل از اینکه جلسه را ختم کنیم آقای ملک زاده نماینده محترم خواسته اند که بنده باستحضار آقایان برسانم که اگر ملک زاده اتوموبیلش مصادف با آژان شده است نه ایشان هستند و نه از فامیل ایشان (بعضی از نمایندگان - صحیح است) جلسه آینده پنجشنبه ۲۶ سه ساعت قبل از ظهر . دستور مذاکره در بقیه شور در کلیات نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

فهیمی - بسیار خوب . بنده هم موافقت میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای روحی هم قابل تعقیب نیست روحی - اجازه بفرمائید عرض کنم . .

رئیس - بالاخره این پیشنهاد يك شور شدن اصل و موقع خودش را از دست داد ماده ۷۴ تکلیف يك شوری شدن را معلوم کرده . حالا باید دید مذاکرات کافی است ؟

روحی - بنده عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

روحی - مجلس يك نظامات و مقرراتی داشته که شش هفت دوره بان عمل میشده و دو نفر هم حالا بیشتر در آن صحبت نکرده اند فقط آقای فیروز آبادی و آقای دکتر حسنخان صحبت داشته اند ما حالا میخواهیم تمام آن مقررات شش هفت دوره را امروز تغییر بدهیم در صورتیکه کسی حرف نزده و آقایان نظریه خودشان